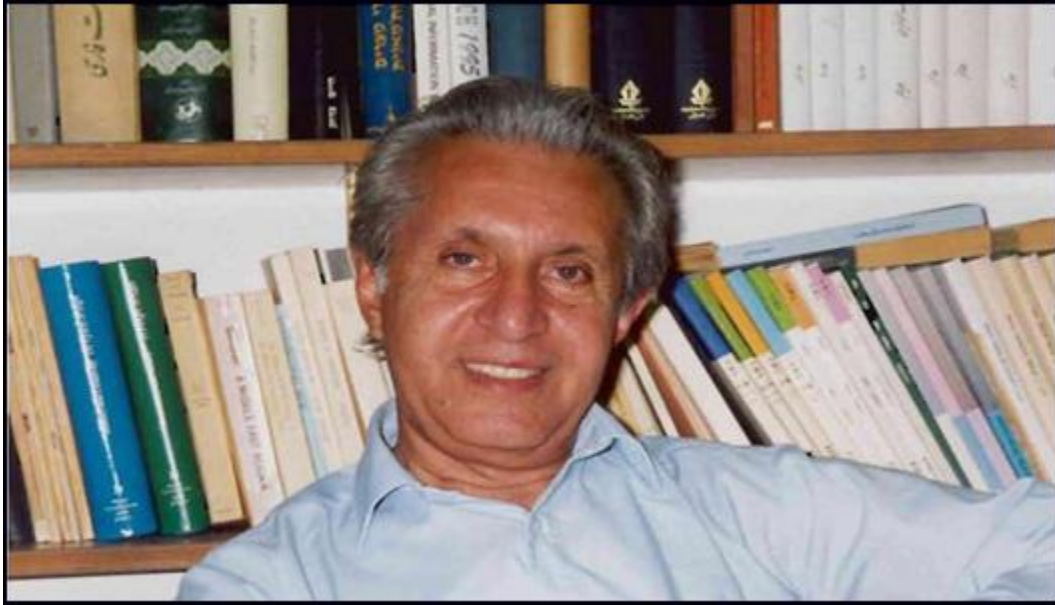


بخش سوم

اماکن مقدس یهودی

در ایران زمین



پروفسور نتصر در این بخش از کتاب  
به شرح اماکن مقدس یهودی  
در خاک ایران می پردازد  
که شمار آن ها در خارج از خاک  
اسرائیل بی نظیر است

## گفت و گوی دهم

# آرامگاه دانیال نبی در شهر شوش، پایتخت زمستانی شاهان ایران



آرامگاه دانیال نبی بلندترین و زیباترین نمای ساختمانی در شهر باستانی شوش

پرسش - در چارچوب این گفت و شنودها در مورد اماکن مقدس یهودی در ایران، به ما وعده داده بودید که این بار به شهر شوش برویم و با آرامگاهی آشنا شویم که بسیار مورد تقدس مسلمانان ایران نیز قرار دارد و یکی از جاذبه های مهم گردشگری ایران محسوب می شود. از کدام فرد مقدس یهودی سخن می رود که حتی تصویر مزار او به روی اسکناس های ایران نیز نقش بسته بود؟

پاسخ - آن شخص مقدس یهودی که در شهر شوش آرمیده، دانیال نبی است. صحیفه دانیال بخشی از ۲۴ نوشتارهای کتاب مقدس یهود است. این صحیفه در دوازده فصل و به دو زبان عبری و آرامی نگارش شده است. در حاشیه یادآوری کنم که گرچه کتاب مقدس یهود را به صورت اختصار "تورات" می نامند، ولی این کتاب عملاً از سه بخش جداگانه تشکیل شده که بخش نخست آن شامل پنج صحیفه ای است که کتاب تورات را تشکیل می دهد و بخش دوم آن به صحیفه های انبیاء اختصاص دارد که صحیفه دانیال یکی از آن ها می باشد.

دانیال نبی در کتاب خود از داریوش بزرگ و کورش کبیر نیز سخن می گوید و درباره بخت النصر پادشاه بابل نیز در نوشتار او سخن رفته است. با استناد به این نوشته ها ما می توانیم ارزیابی کنیم که دانیال نبی در دورانی می زیسته که یهودیان در اسارت امپراتوری بابل (عراق امروز) به سر می برده اند. حدوداً می توان گفت که زندگی دانیال نبی در ۲۸۰۰ سال پیش، یعنی حدود ۵۸۰ سال پیش از میلاد بوده است.

من در این جا قصد ندارم به بررسی و تجزیه و تحلیل صحیفه دانیال بپردازم زیرا موضوع مورد بحث ما اماکن مقدس است و نه نوشتارهای مقدس.

در ایران باستان، در دوران هخامنشی، و حتی در دوران عیلامی ها که پیش از هخامنشیان بودند، جوامع یهودی وجود داشته است. تصور می رود که شمار یهودیان در شهر شوش نسبتاً زیاد بوده است.

در تومار استر در کتاب مقدس یهود که پیشتر از آن سخن گفتیم، بارها از شهر شوش نیز نام برده شده است که این می تواند نشان آن باشد که یهودیان زیادی در آن جا زندگی می کرده اند. به گفته ایران شناسان، شوش پایتخت زمستانی خاندان هخامنشی نیز بوده و پایتخت تابستانی در همدان قرار داشته است.

از آرامگاهی که به دانیال نبی مقدس یهودی نسبت داده شده، در کتاب های نخستین صدر اسلام نیز نام برده شده است. به عنوان نمونه، به آگاهی عمر بن الخطاب دومین خلیفه اسلامی رسانده شده بود که دانیال نبی در شهر شوش دفن شده و آرامگاه او در این شهر قرار دارد و در حالی که عمر به سپاهیان خویش دستور داده بود سراسر ایران را به تصرف در آورند، فرماندهی هر بخشی را به یکی از امیران سپاه خود محول ساخته بود و ماموریت اشغال بخش جنوبی ایران به رزم آوری به نام موسی الاشعری سپرده شده بود. عمر به او تاکید کرده بود که مواظب باشد به آرامگاه دانیال نبی هنگام حمله به شهر شوش آسیبی نرسد.

بسیاری از مطالب تاریخی که ما پیرامون قبر حضرت دانیال نبی می دانیم، در درجه اول از منابع یهودی و سپس از منابع اسلامی است. اکثر این منابع اسلامی توسط ایرانیان نگاشته شده که یکی از آن ها "مجممل التواریخ و القصص" نام دارد که نویسنده آن را نمی شناسیم. این کتاب توسط زنده نام ملک الشعرا بهار ویراستاری شده و نسخه خطی آن نیز در شهر نوس آنجلس به اهتمام دکتر امید سالار انتشار یافته است و آذانی که مایل به کسب آگاهی های بیشتری هستند، می توانند به این کتاب رجوع کنند.

کتاب دیگر "نزهة القلوب" نگارش حمدالله مستوفی است که در آن نیز اشاراتی به آرامگاه دانیال شده است. منبع سومی که بسیار اهمیت دارد از آن نام ببریم، سفرنامه سیاح معروف یهودی ربی بنیامین اهل تودلای اسپانیاست که در گفت و گوهای پیشین بارها به او و سفرنامه اش اشاره داشته ایم که در دوران سلجویان دیداری از ایران داشته و از جمله

از شهر شوش دیدن کرده و به زیارت آرامگاه حضرت دانیال رسیده و درباره آن مطالبی نگاشته است.

پرسش - این موضوع بسیار کنجکاو می انگیزد که حضرت دانیال، نبی یهودیان در خاک کنعان به سر می برده است. پس او چگونه به شهر شوش و استان خوزستان امروز ایران می رسد که در آن جا فوت می کند و همان جا به خاک سپرده می شود؟ همین پرسش را در مورد مقدسین دیگر یهودی نیز که در ایران دفن شده اند، بیشتر با شما در میان گذاشته بودم.

پاسخ - اگر به مقدسین و انبیائی اشاره می کنیم که در ۲۶۰۰ سال پیش می زیسته اند، سخن از آنانی است که امپراتوری آشور آن ها را همراه با دیگر یهودیان به اسارت برده بود که به مرور زمان به خاک امروزی سرزمین ایران رسیدند. در آن دوران، آشوری ها همچنین بر آن چه که سرزمین ماد نام گرفت مسلط بودند که آن سرزمین بخشی از ایران بزرگ و باستانی است.

می خواهم یادآوری کنم که امپراتوری آشور که یهودیان را به اسارت برده بود، در سال ۶۱۲ پیش از میلاد توسط مادها نابود شد. بعدها یهودیان یک بار دیگر توسط امپراتوری ها به اسارت برده شدند و آن توسط امپراتور بابل بود که حضرت دانیال به آن دوران مربوط می شود.

وقتی در صحیفه دانیال در کتاب مقدس هم درباره کورش کبیر و هم درباره داریوش بزرگ سخن گفته می شود، علامت آن است که امپراتوری ایران وجود داشته و امپراتوری بابل نابود شده بوده است.

هنگامی که بابل به دست سپاهیان کورش کبیر نابود می شود، طبیعی است همه سرزمین هائی که در تسلط امپراتوری بابل قرار داشته به تصرف امپراتوری ایران در می آید و حضرت دانیال نیز در عمل ساکن خاک تحت حاکمیت ایران محسوب می شود. از آن جا که در آن دوران ها مرزهای مشخصی وجود نداشته، پس می توان گفت که دانیال در واقع در ایران زندگی می کرده است.

در چنین وضعی بسیار برای حضرت دانیال آسان بود که به شهر شوش روان گردد و در آن جا سکونت گزینند. در آن هنگام که اسارت بابل پایان یافت و یهودیان اجازه یافتند به سرزمین پدری خویش باز گردند، افرادی نیز بودند که برایشان راحت تر بود که به شرق بروند (به جای اورشلیم که در غرب بابل قرار داشت) و در سرزمین ایران سکونت گزینند. آن یهودیانی که ترجیح دادند در شرق بمانند و به اورشلیم باز نگردند، بیشتر صلاح دانستند که در حول و حوش مرکز حکومتی رحل اقامت بیافکنند و این روندی است که در بسیاری از نقاط جهان در مورد جوامع یهودی روی داده است.

تاریخ یهودیان دنیا را مطالعه بفرمائید و می بینید که آن چه در مورد شیوه گزینش محل سکونت یهودیان گفته شد، به ایران زمین محدود نمی شود، بلکه در کشورهای دیگر نیز رخ داده و حتی در ممالکی چون بریتانیا و فرانسه و سوئد و نقاط دیگر، بسیاری از یهودیان ترجیح داده اند که در پایتخت و یا دور و بر آن زندگی کنند.

پایتخت و دارالسلطنه بودن شهر تهران یک پدیده نسبتاً تازه است. یهودیان در گذشته بیشتر در پایتخت های وقت مثل اصفهان و همدان و شوش زندگی می کرده اند. بنابراین طبیعی است که حضرت دانیال در شوش ساکن گردید و بی تردید او به عنوان یک فرد تنها به آن شهر نرفته بود، بلکه شمار زیادی از یهودیان در آن دوران ترجیح داده بودند که در شوش اقامت کنند.

آن چه که ما درباره زندگی حضرت دانیال در شوش می دانیم مبتنی بر همان سه مرجعی است که پیشتر به آن ها اشاره کردم (مجممل التواریخ والقصص، نزهة القلوب و سفرنامه ربی بنیامین) و حتی می توانم بگویم چهار مرجع که چهارمی همان خود صحیفه دانیال در کتاب مقدس است.

موضوع را بدین سان می توان خلاصه کرد: آرامگاه دانیال در یک کرانه از رودخانه شاوور (که آن را شاه هور و شاهپور نیز نامیده اند) قرار گرفته که تقریباً به موازات رودخانه کرخه در جریان است. در کتاب دانیال وجود این رودخانه ذکر می گردد ولی با واژه "اولای" (Ulai ʾlāi) از آن نام برده می شود (کتاب دانیال فصل هشتم آیه ۲). گویا یکی از انشعابات رودخانه کارون بوده است - من دقیقاً نمی دانم.

مردمانی که در آن سوی دیگر رودخانه زندگی می کردند وضع اقتصادی آنان بهتر از سوئی بود که آرامگاه حضرت دانیال در آن جا قرار داشت. مشکل دیگر در این سو، نزاع دائمی بود که مرتباً بین گروه های مختلف ساکنان درگیر می شد. نشستند و رایزنی کردند و کوشیدند با هم در مورد محل آرامگاه حضرت دانیال به توافق برسند و موسی الاشعری در کتاب مجممل التواریخ می نویسد که راه حل پیشنهادی آن بود که مقبره دانیال یک سال در این سوی رودخانه و سال دیگر در آن سوی رودخانه باشد.

احتمالاً این وضع تا دوران سلطان سنجر ادامه داشت و با استناد به آن چه که در سفرنامه ربی بنیامین یهودی نگاشته شده، سلطان سنجر انتقال مداوم مزار از این سو به آن سوی رودخانه را هتک حرمت از انبیاء و بی احترامی نسبت به پروردگار دانست. راه حلی که پادشاه پیشنهاد کرد آن بود که تابوت را در شیشه ای قرار داده و با زنجیر زیر پل و درست در مرکز رودخانه آویزان کنند تا شاید با این راه حل جنگ و نزاع بین ساکنان این سو و آن سوی رودخانه پایان پذیرد و اقتصاد شهر رونق بیشتری یابد. هم زمان، سلطان سنجر دستور داد که ماهیگیری در دو سوی آرامگاه به فاصله چند کیلومتر ممنوع باشد.

در دوران سلطان سنجر بقعه ای به روی این مزار برپا گردید که از نظر معماری بی نظیر است و نمونه آن در دیگر اماکن ایران کمتر دیده می شود. امروز این آرامگاه بسیار مجلل است و بناهای زیادی در آن برپا گردیده که از معماری دوران اسلامی ایران حکایت دارد.